

کارآفرینی روستایی و تعیین عوامل مؤثر بر آن

(مطالعه موردی: روستاهای شهرستان مینودشت)

رمضان طوسی* - علیرضا جمشیدی^۲ - احمد تقدیسی^۳

۱- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۲/۰۶ | صص: ۱-۱۱ | تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۰۱/۲۱

چکیده

هدف: خلاقیت و نوآوری از ارکان اصلی توسعه پایدار است. در همین راستا، از طریق کارآفرینی روستایی به‌ویژه در بخش کشاورزی، می‌توان با شناسایی مزیت‌ها، محدودیت‌ها، ضعف‌ها و قوت‌های جوامع روستایی، براساس برنامه‌ریزی راهبردی مناسب، به توسعه اقتصادی روستایی در کنار سایر ابعاد کمک کرد. هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر، بررسی و ارزیابی عوامل مؤثر بر سطوح کارآفرینی روستاییان شهرستان مینودشت می‌باشد.

روش: برای رسیدن به هدف تحقیق، از روش تحقیق نوع ترکیبی (توصیفی - تحلیلی) استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق، روستاییان ساکن در شهرستان مینودشت واقع در استان گلستان می‌باشند ($N=10613$). حجم نمونه از طریق فرمول کوکران و به روش تصادفی، با انتساب متناسب تعیین گردید ($n=170$). ابزار تحقیق، پرسشنامه‌ای بود که روایی آن براساس نظر گروهی از کارشناسان و اساتید دانشگاه تأیید گردید و برای تعیین میزان پایایی ابزار تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد (0.856). داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که می‌توان روستاییان مورد مطالعه را براساس نمره وضعیت کارآفرینی‌شان، به چهار دسته روستاییان سنتی، نسبتاً سنتی، تغییرپذیر و روستاییان صلاحیت‌دار و پیشرو طبقه‌بندی نمود. همچنین، نتایج تحلیل تشخیصی گویای آن بود که با توجه به مقادیر لاندای ویلکس، متغیرهای ریسک‌پذیری، میزان درآمد از شغل اصلی، سطح دانش نسبت به کارآفرینی و سطح سواد، در مقایسه با دیگر متغیرها بهتر قادر به پیش‌بینی سطح کارآفرینی روستاییان شهرستان مینودشت هستند.

محدودیت‌ها/ راهبردها: دستیابی به اطلاعات وضعیت کارآفرینی روستاییان، از چالش‌های پژوهش حاضر محسوب می‌شود. **راهکارهای عملی:** با توجه به یافته‌ها، راهکارهایی شامل بازدیدهای میدانی از فعالیتهای کارآفرینان موفق، برگزاری دوره‌های آموزشی کارآفرینی و خلاقیت و ... پیشنهاد می‌گردد.

اصالت و ارزش: پژوهش حاضر از این نظر دارای اهمیت است که می‌توان با شناسایی متغیرهایی مانند وضعیت ریسک‌پذیری، وضعیت درآمد روستاییان و دانش و آگاهی نسبت به کارآفرینی، اقدام به نوآوری و ایجاد مشاغل جدید نمود.

کلیدواژه‌ها: توسعه روستایی، اشتغال، کارآفرینی روستایی، شهرستان مینودشت.

۱. مقدمه

۱.۱. بیان مسئله

در اغلب کشورها از جمله ایران، یکی از اهداف کلان توسعه، کاهش بیکاری و توسعه فعالیت‌های شغلی است. امروزه بحث اشتغال صرفاً یک بحث اقتصادی یا مربوط به یک کشور خاص نیست؛ بلکه تقریباً تمامی جوامع به‌نوعی با معضل بیکاری دست‌به‌گریبان هستند و ابعاد این معضل، تمامی بخش‌های جوامع از جمله امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی و امنیتی را متأثر ساخته است (حیدری مکرر و محبی، ۱۳۹۱؛ رضوانی، ۱۳۸۳؛ فرجی سبکبار، بدری، سجاسی قیداری، صادقلو، و شهرداری خواجه عسگر، ۱۳۹۰). موضوع کار و اشتغال به‌ویژه کارآفرینی، از اصول اساسی و مهم زندگی هر فرد و اجتماعی است که در تمام ادوار و اجتماعات بشری، نقش مهمی دارد. کارآفرینی چرخ زندگی بشر را در این دنیا متحول و دگرگون می‌سازد. اقتصاددانان و صاحب‌نظران معتقد هستند که کارآفرین با ارائه محصولات و خدمات جدید می‌تواند جامعه را به سمت پیشرفت و توسعه سوق دهد (کوراتکو و هادجت‌ا، ۲۰۰۴، ص. ۳۵). اگر توسعه روستایی را در قالب یک نگرش همه‌جانبه و سینوپتیکی براساس نظریه توسعه پایدار، در نظر بگیریم. در این رویکرد، افزایش انتخاب مردم، گسترش دموکراسی، توانمندسازی مردم به‌منظور تصمیم‌گیری برای شکل‌دهی به فضای زیست، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه توانمندسازی زنان، فقرا و دهقانان مستقل و آزادی برای سازمان‌دهی فضای زیست خود و همچنین، توانمندسازی برای انجام کار گروهی شاهد هستیم. در آن صورت، می‌توان گفت که توانمندسازی و ظرفیت‌سازی به‌عنوان پارادایمی جدید موردتوجه قرار گرفته است. به‌همین دلیل، امروزه صاحب‌نظران توسعه روستایی معتقد هستند که برای تحقق توانمندسازی جامعه روستایی، تصمیم‌گیری و مدیریت روستایی بایستی در داخل خود جامعه محلی صورت گیرد و عوامل بیرونی نقش تسهیلگر را ایفا کنند (رکن‌الدین - افتخاری، طاهرخانی و سجاسی قیداری، ۱۳۸۸). امروزه، در همه جوامع، ایجاد و تقویت کارآفرینی کم‌وبیش مورد تأکید است و دیدگاه‌ها و روش‌های مختلفی برای ارتقای آن ارائه شده است که برحسب شرایط هر جامعه می‌توان از آن‌ها بهره‌گیری گرفت (سوبل و کینگ، ۲۰۰۸، ص. ۴۳۱). به‌عبارت‌دیگر، کارآفرینی؛ یعنی، تمایل به اعمال ریسک‌های حساب‌شده در زمینه شغلی و

نیز مالی و سپس، انجام هر کاری برای ایجاد مزیت و امتیاز ممکن (آشومر، ۲۰۰۸، صص. ۱-۲). به‌طور کلی، یکی از عوامل مؤثر در توسعه روستایی، کارآفرینی است؛ زیرا، کارآفرینی می‌تواند با خلق فرصت‌های جدید اشتغال و درآمد، نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی روستاها داشته باشد. به‌همین دلیل، سنجش میزان کارآفرینی روستاییان و تلاش برای توسعه و تقویت کارآفرینی در فرایند توسعه روستایی، از طریق فراهم کردن زمینه‌های اولیه آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷). در ایران نیز مسائلی مانند بیکاری، مهاجرت‌های روستا-شهری، حاشیه‌نشینی و فقر، همچون سایر کشورهای در حال توسعه وجود دارد که ریشه همه این‌ها در توسعه‌نیافتگی روستایی و نرخ بالای بیکاری در روستاها است (هاشمی، مهربانی، ایمنی و نجاحی، ۱۳۹۰، ص. ۳۶). استان گلستان نیز از این قاعده مستثنی نیست و همچون سایر مناطق کشور با چنین مشکلاتی مواجه است که با برنامه‌ریزی اصولی و ایجاد اشتغال و کارآفرینی روستایی در این استان، می‌توان از نظر کشاورزی، صنعت، خدمات و گردشگری، موجبات شکوفایی همه‌جانبه و پیش‌ازپیش آن را فراهم ساخت. با در نظر گرفتن آمارهای موجود در این زمینه، اهمیت این موضوع در شهرستان مینودشت کاملاً آشکار می‌گردد؛ بنابراین، تحقیق حاضر با هدف ارائه راهکارهای مناسب برای توسعه روستایی و بهره‌گیری از فرصت‌های شغلی و توجه به کارآفرینی، برای رسیدن به پاسخی مناسب و علمی به سؤالات زیر انجام می‌شود: وضعیت کارآفرینی روستاییان مورد مطالعه در چه سطحی می‌باشد؟ و مهم‌ترین عوامل مؤثر در سطح کارآفرینی آن‌ها کدام‌اند؟

۲. روش‌شناسی تحقیق

۲.۱. قلمرو جغرافیایی تحقیق

شهرستان مینودشت با ۲۵۷/۱۵۷۶ کیلومتر مربع مساحت، در منتهی‌الیه شرق استان گلستان واقع شده است و از شمال با جمهوری ترکمنستان، دارای ۱۲۶ کیلومتر مرز مشترک و از جنوب با استان سمنان و از شرق با استان خراسان و از غرب با شهر گنبد کاووس ارتباط دارد. طبق سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، این شهرستان دارای ۱۳۳۷۳۹ نفر جمعیت بوده است که در مجموع، ۳۴/۷۴٪ از جمعیت آن را شهرنشینان و ۶۵/۲۶٪ از آن را روستائینان تشکیل داده‌اند.

۲.۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر نوع تحقیق، کاربردی است و از نظر روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی می‌باشد که به صورت پیمایشی انجام شده است. روستاییان ساکن در شهرستان مینودشت، واقع در استان گلستان، جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند ($N=10613$). حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ($p \& = 0/5$) $d=0/07$ و روش تصادفی، با انتساب متناسب تعداد 170 نفر به عنوان نمونه تعیین گردید. ابزار اصلی این پژوهش پرسشنامه‌ای است که روایی گویه‌ها به تأیید اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان رسیده است. برای بررسی پایایی ابزار مورد تحقیق، مطالعه‌ای با تعداد 30 پرسشنامه، به عنوان یک

مطالعه مقدماتی انجام شد. همانطور که در جدول (1) مشاهده می‌شود، نتایج به دست آمده از پیش‌آزمون، حاکی از اعتماد یا پایایی قابل قبول ابزار مورد مطالعه (پرسشنامه) است. پایایی عوامل مورد سنجش در پرسشنامه، از آلفای کرونباخ ارزیابی گردید و با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. نتایج نشان داد که ضرایب آلفای کرونباخ ارزیابی شده برای بخش‌های مختلف پرسشنامه، به طور کلی، $0/856$ به دست آمد که نشان‌دهنده قابلیت بالای اعتماد و اطمینان ابزار مورد تحقیق است. مقدار آلفای کرونباخ برای شاخص‌های مورد بررسی، به تفکیک در جدول (1) نشان داده شده است:

جدول 1- محاسبه میزان پایایی و روایی مفاهیم اصلی به کاررفته در تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، 1392

شاخص	آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	شاخص	آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها
دانش	0/723	6	محیطی	0/729	6
نگرش	0/763	5	منزلت	0/703	3
اجتماعی	0/758	12	ریسک‌پذیری	0/725	3
اقتصادی	0/752	6	سطح کارآفرینی	0/789	5

وضعیت بیمه، وضعیت ارتباط با افراد و سازمان‌های مختلف، ارتباط با گروه‌های ثانویه) در سطح لیکرت پرداخته شده است. در نهایت، از مجموع پاسخ‌های دریافتی، از مجموع متغیرهای مربوط به ارزیابی سطوح کارآفرینی، در این مطالعه شاخص‌های مربوط به زمینه‌های فردی کارآفرینی، آشنایی افراد با مهارت‌های کارآفرینی، آشنایی با مهارت‌های تدوین کسب‌وکار، آشنایی با مهارت‌های ایجاد کسب‌وکار کوچک و آشنایی با کسب ایده‌های یک از افراد بررسی شدند. در این تحقیق، برای تجزیه و تحلیل آماری، از آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، واریانس و انحراف معیار، درصد، ماکزیمم و مینیمم) و همچنین آمار استنباطی شامل آزمون F، کای اسکور و تحلیل تشخیصی استفاده شده است.

۳. مبانی نظری تحقیق

کارآفرینی به فرایند ایجاد ارزش، از طریق فراهم آوردن ترکیب منحصربه‌فردی از منابع برای بهره‌گیری از یک فرصت اشاره دارد که نیازمند عمل و عاملی کارآفرینانه است. عمل کارآفرینانه به مفهوم‌سازی و پیاده‌سازی یک ایده، فرایند محصول، خدمت یا یک کسب‌وکار جدید دلالت دارد. از نظر رفتاری، فرایند کارآفرینی شامل مجموعه‌ای از اقدامات است که برای شناسایی و ارزیابی یک فرصت، تعریف یک مفهوم تجاری و کاری، شناسایی منابع مورد نیاز، به دست آوردن منابع ضروری

برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز، از پرسشنامه‌ای که شامل سه بخش بود، استفاده شد: بخش اول آن مربوط به اطلاعات توصیفی بود؛ بخش دوم آن مربوط به عضویت در گروه‌های ثانویه شامل بسیج محل، هیئت‌امانای مسجد، انجمن اولیا و مربیان، شرکت تعاونی روستایی و غیره بود؛ بخش سوم آن مربوط به عوامل مؤثر در کارآفرینی بود که در بردارنده این سطوح بود: سطح نگرش (گویه‌های مربوط به استفاده از روش-های نوین، استفاده از تبلیغات و بازاریابی، شرکت در کلاس‌های توسعه مهارت‌ها، اعتماد به نفس، فناوری نوین، کار گروهی)؛ سطح دانش (گویه‌های مربوط به تبلیغات، فروش، بازاریابی، آشنایی با بازارهای محلی و منطقه‌ای، آشنایی با اصول نوآوری، آشنایی با روش‌های نوین)؛ ریسک‌پذیری (گویه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری بالا، به‌کارگیری روش‌های تجربه‌نشده، تحلیل وضعیت، استفاده از فناوری نوین)؛ منزلت اجتماعی (گویه‌های مربوط به رهبری، مشورت، احترام و پذیرش نظرات) و در بخش انتهایی پرسشنامه، به بررسی عوامل محیطی (وضعیت اراضی و شرایط آب‌وهوایی، آسیب‌پذیری پایین، شناسایی فرصت‌های بالقوه و بالفعل محیطی)، عوامل اقتصادی (گویه‌های مربوط به ثبات قیمت محصولات، رضایت از درآمد، دسترسی به اطلاعات و آمارهای بازاریابی، سرمایه‌های مالی کافی، زمینه مناسب و اقدامات حمایتی) و عوامل اجتماعی (گویه‌های مربوط به گرایش،

و پیاده‌سازی و بهره‌برداری از کسب‌وکار ضروری می‌باشند (هرندی‌زاده، ۱۳۸۹).

در اصل، کارآفرینی روستایی هیچ تفاوتی با مفهوم عام کارآفرینی ندارد؛ فقط شرایط خاص مناطق روستایی از جمله بالاتر بودن ریسک، کمبود امکانات و ضعف مدیریت در این نواحی، باعث می‌شود که زمینه‌های کارآفرینی در این نواحی با سایر نواحی و فعالیت‌ها متفاوت باشد.

در مناطق روستایی، باوجود افراد خلاق، نوآور و کوشا، سبک فعالیت کارآفرینانه نهادینه نشده است؛ زیرا، موانع و محدودیت‌های گوناگونی مانند آشنانبودن یا نپذیرفتن و نیز تأمین مالی کشاورزان، اطمینان‌نداشتن از سرقت ایده‌ها، نبود دورنمایی مشترک از نوآوری، وجود تنش و ناراضی، انزوای مدیریت ارشد، دسترسی‌نداشتن به اطلاعات موثق و شفاف، ساختار مکانیکی، فقدان فرهنگ حمایت از کارآفرینی، فاصله از بازار و خدمات، گسستگی‌های درونی میان جامعه روستایی، همه و همه، سبب اندک‌بودن تعداد افراد کارآفرین در بین روستاییان شده‌اند (فرجی‌سبکبار، بدری، سجاسی‌قیداری، صادقلو و شهدادی خواجه‌عسگر، ۱۳۹۰).

روانشناسان با بررسی ویژگی‌های شخصیتی و با تفاوت قائل شدن بین کارآفرینان، مدیران و غیرکارآفرینان، به بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینان می‌پردازند؛ اما جامعه‌شناسان کارآفرینی را پدیده‌ای اجتماعی در نظر می‌گیرند و به بررسی رابطه متقابل بین کارآفرینان و سایر بخش‌ها و گروه‌های جامعه می‌پردازند. دانشمندان مدیریت نیز به تشریح مدیریت کارآفرینی و ایجاد محیط کارآفرینانه در سازمان‌ها توجه دارند. جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم مدیریت با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرد کارآفرین و با استفاده از رویکردی رفتاری، کارآفرینی را فرایندی معرفی می‌کنند که سرانجام، به ایجاد کسب‌وکارهای جدید می‌انجامد (گلرد، ۱۳۸۴).

هورنزی^۴ و همکاران (۱۹۹۳، به نقل از هرندی‌زاده، ۱۳۸۹) مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر موفقیت کسب‌وکارهای کارآفرینانه را تشویق به نوآوری، توسعه تیم‌های کارآفرینی، تفویض اختیار، حمایت مدیریت و شیوه‌های جدید پاداش ذکر نموده‌اند. عوامل کلان اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در ایجاد تمایل و توانایی در افراد، برای انتخاب فعالیت‌های کارآفرینی مؤثر هستند. جانکی‌کوا^۵ (۲۰۰۴) عوامل اقتصادی مؤثر در کارآفرینی را در دو سطح موقعیت‌های ساختاری و موقعیت‌های شخصی بررسی می‌کند. موقعیت‌های ساختاری شامل کالاها و خدمات،

دسترسی به اعتبارات و وام، وجود بازار رقابتی و نرخ‌های مالیاتی می‌شود. موقعیت‌های شخصی، عوامل نیروی کار ماهر و آموزش‌دیده، سرمایه انسانی و سطح درآمد را در برمی‌گیرند. کولت و همکاران^۶ (۲۰۰۵) ایجاد کسب‌وکاری کارآفرینانه را نتیجه عوامل سازمانی، ویژگی‌های فردی و فراهم‌بودن بعضی از تسریع‌کننده‌ها دانسته‌اند. همچنین، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر موفقیت کسب‌وکارهای کارآفرینانه را تشویق به نوآوری، توسعه تیم‌های کارآفرینی، تفویض اختیار، حمایت مدیریت و شیوه‌های جدید پاداش ذکر نموده‌اند. محیط کارآفرینی از عواملی ترکیب شده است که بر توسعه کارآفرینی نقش دارند. مطالعه آردگانا و لوزاردی^۷ (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که ویژگی‌های فردی‌ای چون سن، جنسیت و وضعیت کاری، در کنار خصوصیات دیگری چون روابط اجتماعی مهارت و گرایش به ریسک‌پذیری از عوامل مهم کارآفرینی است. از دیدگاه استوارت و ادوارد، گسستگی‌های درونی میان کشاورزان و موانع بیرونی (مانند گسستگی‌ها از جوامع دیگر از جمله مسؤولان با کشاورزان)، ناآگاهی از چگونگی استفاده از دانش، منابع و شبکه‌های موجود برای ورود به محیط جدید، مهم‌ترین عواملی هستند که مانع کارآفرینی بین کشاورزان می‌شوند (چمبرز و شاو^۸، ۲۰۰۴، ص. ۱). دابسون^۹ (۲۰۰۲) در مطالعه خود، برای طراحی فعالیت‌های کارآفرینی و جمع‌آوری اطلاعات درباره سازمان‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های حمایت‌کننده از کارآفرینی در مناطق روستایی، به این نتیجه رسید که چهار عامل اصلی حیات‌بخشی به روح کارآفرینی در مناطق روستایی عبارت‌اند از: ایجاد فعالیت متناسب با نیازهای شناسایی شده جامعه محلی، تولیدات کافی متناسب با مقیاس، منابع و مهارت‌های محلی، تمرکز بر کارآفرینی و یادگیری مداوم از طریق تغییر در آموزه‌های قبلی.

در مطالعه‌ای، گلرد (۱۳۸۴) با هدف بررسی عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان، نشان داد که از بین مؤلفه‌های موردبررسی، این موارد با تأثیر بیشتری موردتأیید قرار گرفته‌اند: مؤلفه ویژگی‌های شخصیتی و سرمایه انسانی، مربوط به عوامل فردی، مؤلفه ارتباط با دوستان نزدیک، مجرب و قابل‌اعتماد، مربوط به عوامل شبکه‌ای، و مؤلفه عوامل فرهنگی، سیاسی و تکنولوژیک، مربوط به عوامل محیطی.

در مطالعه‌ای، هزارجریبی (۱۳۸۴) برخی از دیدگاه‌های محققان را در مورد ابعاد روان‌شناختی کارآفرینان بررسی کرده است که نتایج آن به‌طور خلاصه به این شرح است:

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که میانگین سن افراد مورد مطالعه، ۴۹/۳ سال و میانۀ سطح سواد آن‌ها، در حد بی- سواد است. همچنین، براساس نتایج جدول (۲)، میانگین سطح کل اراضی در منطقه مورد مطالعه، ۵/۳۳ هکتار و درآمد افراد مورد مطالعه از شغل اصلی، ۷/۸۱ میلیون در سال می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که ۳۷/۶٪ از افراد مورد مطالعه، علاوه بر شغل اصلی کشاورزی دارای شغل ثابت هستند، ۴۳/۵٪ دارای شغل فصلی می‌باشند و سایر افراد مورد مطالعه یا بیکار هستند یا به صورت روزمزد مشغول به فعالیت می‌باشند. همچنین، ۲۹/۴٪ از افراد هدف به زراعت مشغول می‌باشند؛ ۵۰٪ به صورت ترکیبی به زراعت و دامپروری مشغول هستند و سایر افراد مورد مطالعه، زراعت، باغداری و دامپروری را با هم انجام می‌دهند. نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی حاکی از آن است که میانگین سنی پاسخ‌دهندگان، ۴۹/۳۰ است و متوسط سرانه اراضی کشاورزی پاسخ‌گویان، ۵/۳۳ هکتار می‌باشد.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار متغیرهای توصیفی تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
سن (سال)	۴۹/۳۰	۱۴/۶۹	۱۹	۸۱
سطح سواد*	۱	-	۱	۷
سطح کل اراضی (هکتار)	۵/۳۳	۴/۴۴	۰/۵	۳۰
درآمد از شغل اصلی	۷/۸۱	۷/۱۵	۰/۳۵	۵۰

* برای سطح سواد، با توجه به اینکه به صورت کیفی برآورد شده، از آماره مد استفاده شده است (۱. بی‌سواد؛ ۲. خواندن و نوشتن؛ ۳. ابتدایی؛ ۴. راهنمایی؛ ۵. دبیرستان؛ ۶. دیپلم؛ ۷. بالاتر از دیپلم).

همانطور که نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد، سطح نگرش ۷۰٪ از افراد مورد مطالعه درباره کارآفرینی پایین می‌باشد. همچنین، در این مطالعه، با توجه به نتایج جدول (۳)، ریسک‌پذیری افراد نسبت به اشتغال‌زایی پایین است و یکی از عوامل تأثیرگذار در زمینه اشتغال و کارآفرینی، عامل اقتصادی است که افراد مورد مطالعه، وضعیت اقتصادی در حد متوسط به پایین را دارند.

جدول (۳) وضعیت متغیرهای دیگر را نشان می‌دهد:

خطرپذیری داشتن، نیاز به توفیق، نوآوری، خلاقیت و ایده‌سازی داشتن، اعتمادبه‌نفس داشتن، پشتکار زیاد داشتن، آرمان-گرا بودن، پیش‌قدم بودن، فرصت‌گرا بودن، نتیجه‌گرا بودن، اهل کار و عمل بودن، آینده‌گرا بودن، خودم‌محور بودن، پیشگام در کسب اطلاعات بودن، داشتن برنامه‌ریزی و ارزش‌یابی رقبا، داشتن انعطاف‌پذیری، ظرفیت زیاد داشتن، نداشتن کنترل سخت‌گیرانه در امور، رعایت نکردن سلسله‌مراتب، رشددهنده ایده‌بودن، دارای تفکر مثبت بودن، و نیز دارای تفکر جانبی و عمودی بودن برای خلق ایده‌های جدید و توسعه آن‌ها.

رکن‌الدین‌افتخاری، طاهرخانی و سجاسی‌قیداری (۱۳۸۸)، در مطالعه‌ای با هدف تحلیل ابعاد و عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی، عوامل مؤثر را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند و تأثیر آن‌ها را از نظر هر گروه، مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان داد که از دیدگاه کشاورزان عادی، ترتیب عوامل اقتصادی، محیطی زیرساختی، اجتماعی و نهادی دارای اهمیت هستند. از نظر کارآفرینان، تأثیرگذاری این عوامل به این ترتیب بود: عوامل اقتصادی، اجتماعی، محیطی زیرساختی و نهادی. همچنین، در مطالعاتی، سجاسی‌قیداری (۱۳۸۷) و رکن‌الدین‌افتخاری طاهرخانی و سجاسی‌قیداری (۱۳۸۸)، با استفاده از رویکرد ترکیبی، به مطالعه عوامل تبیین‌کننده کارآفرینی روستایی پرداختند. نتایج نشان داد که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی، عوامل مؤثر در کارآفرینی روستایی می‌باشند.

بنابراین، براساس مطالب گفته‌شده در مورد کارآفرینان روستایی، عوامل متعددی منجر به توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی می‌شوند. همانطور که به صورت مختصر نشان داده شد، هریک از محققان، از جنبه یا بعد خاصی به عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی مناطق روستایی توجه کرده‌اند؛ اما یافته‌ها و اسناد حاکی از آن هستند که برای ایجاد کارآفرینی مؤثر در مناطق روستایی، نیاز به در نظر گرفتن رویکرد ترکیبی این عوامل است تا تأثیرگذاری آن در محیط روستا نمود بیشتری پیدا کند؛ بنابراین، در این مطالعه از رویکرد ترکیبی استفاده شده است.

۴. نتایج و بحث

۱.۴. ویژگی‌های شخصی

جدول ۳- وضعیت سطح دانش، نگرش و سطح ریسک‌پذیری، و منزلت اجتماعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

انحراف معیار	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۰/۹۸	۲/۴۷	۰	۰	۲۶/۵	۶۳/۵	۱۰	سطح دانش
۰/۸۷۲	۲/۵	۰	۵/۳	۲۴/۷	۴۰	۳۰	سطح نگرش
۰/۶۷۲	۲/۲۵	۰	۵/۳	۲۴/۷	۳۵	۳۵	سطح ریسک‌پذیری
۱/۰۸۹	۳/۰۵	۱۲/۴	۱۶/۵	۴۷/۱	۱۴/۱	۱۰	عضویت در گروه‌های ثانویه
۱/۵۱	۲/۷۸	۸/۸	۸/۸	۴۲/۲	۳۴/۱	۷/۱	منزلت اجتماعی
۱/۰۶	۲/۰	۵/۳	۸/۸	۲۸/۲	۳۸/۲	۱۹/۴	عوامل محیطی
۱/۰۹	۳/۰	۵/۹	۱۱/۲	۳۴/۱	۳۰/۶	۱۸/۲	عوامل اقتصادی
۱/۰۲	۳/۰	۴/۱	۱۵/۹	۳۸/۲	۲۸/۲	۱۳/۵	عوامل اجتماعی

۲.۴. ارزیابی تابع سطوح کارآفرینی

سطوح کارآفرینی) وجود دارد. همانطور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، وضعیت اشتغال و سن در سطح اطمینان ۹۵٪ تفاوت معنی‌داری وجود ندارد؛ اما بین میانگین‌های عضویت در گروه‌های ثانویه، ریسک‌پذیری، منزلت اجتماعی، عوامل اقتصادی، سطح کل اراضی، عوامل محیطی، عوامل اجتماعی، سطح نگرش نسبت به کارآفرینی، سطح دانش نسبت به کارآفرینی، سطح سواد، میزان درآمد از شغل اصلی و میزان درآمد از شغل فرعی، در سطح اطمینان ۹۵٪، اختلاف معنی‌داری وجود دارد.

برای پی‌بردن به اختلاف بین گروه‌ها، از آزمون حداقل تفاوت معنی‌داری (LSD) استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که روستاییان مورد مطالعه، صلاحیت‌دار یا دارای سطح کارآفرینی بالا، دارای فعالیت بیشتر در گروه‌های ثانویه، ریسک‌پذیرتر، دارای سطح دانش بالاتر نسبت به کارآفرینی و نگرش بهتر نسبت به موضوع کارآفرینی و نوآوری می‌باشند که این وضعیت را می‌توان مربوط به تعامل بهتر و شرکت در جلسات متعدد در زمینه مسائل مختلف از جمله کارآفرینی دانست که در این بین، سطح سواد بالاتر این دسته از افراد را بدون شک باید نیز مؤثر دانست. افزون‌براین، روستاییان دارای اعتقادات سنتی به دلیل زیادبودن اعتقادشان به تقدیر و سرنوشت فردی - که به- دنبال آن نیز از لحاظ درجه ریسک‌پذیری و نوپذیری دارای روحیه پایین و همچنین اعتقادات سنتی هستند- مانند سایر افراد سریع نوآوری‌های جدید را در زمینه اشتغال و کارآفرینی نخواهند پذیرفت و به دنبال نوآوری نیز نخواهند رفت.

همانطور که شرح داده شد، یکی از عوامل مؤثر بر کارآفرینی و توسعه آن در مناطق روستایی، بعد اقتصادی افراد و خانوارهای مورد نظر می‌باشد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر

در این بخش، پس از بررسی وضعیت متغیرهای اصلی مطالعه، به بررسی وضعیت سطح کارآفرینی روستاییان مورد مطالعه پرداخته شده است. بر مبنای میانگین و انحراف- معیار، وضعیت افراد مورد مطالعه در زمینه اشتغال و کارآفرینی به چهار سطح تقسیم شد. نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که ۶/۵٪ از افراد در سطح بالایی از سطوح کارآفرینی قرار دارند. همچنین، ۲۸/۸٪ از افراد، در سطح نسبتاً بالا و ۶۴/۷٪ در سطوح نسبتاً پایین و پایین قرار دارند:

جدول ۴- توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه بر حسب طبقه-

بندی سطح کارآفرینی آن‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

سطوح کارآفرینی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
بالا (صلاحیت‌دار)	۱۱	۶/۵	۶/۵
نسبتاً بالا (تغییرپذیر)	۴۹	۲۸/۸	۳۵/۳
نسبتاً پایین (نسبتاً سنتی)	۸۵	۵۰	۸۵/۳
پایین (سنتی)	۲۵	۱۴/۷	۱۰۰
جمع کل	۱۷۰	۱۰۰	-

۳.۴. مقایسه میانگین ویژگی‌های روستاییان مورد مطالعه

بر اساس سطح کارآفرینی آن‌ها

یافته‌های جدول (۵) نشان می‌دهد که از نظر ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، عوامل محیطی و ریسک‌پذیری، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین چهار گروه افراد مورد مطالعه (به لحاظ

درآمد افراد موردنظر می‌باشد. همانطور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، افرادی که به لحاظ سطح کارآفرینی وضعیت بهتری دارند، دارای درآمد بالاتری هستند و به طور کلی، از حیث اقتصادی در وضعیت بهتری قرار دارند که این عامل به افراد قدرت ریسک بیشتر (با توجه به بنیۀ مالی بهتر) می‌دهد و این افراد درزمینۀ کارآفرینی، به دنبال نوآوری و امتحان کردن روش-های جدید می‌روند.

جدول ۵- مقایسه ویژگی‌های شخصی، اجتماعی و اقتصادی افراد مورد مطالعه بر حسب طبقه‌بندی سطوح کارآفرینی آنها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

sig	F	Chi-shar	نسبتاً بالا		نسبتاً پایین		متغیرها
			۱۱	۴۹	۸۵ نفر	۲۵ نفر	
۰/۰۰۰	-	۳۷/۰۳۲	۱۴۶/۱۸	۱۰۶/۷۴	۷۱/۰۶	۶۶/۲۴	عضویت در گروه‌های ثانویه
۰/۰۰۰	-	۷۲/۲۸۷	۱۵۶/۷۳	۱۱۲/۰۸	۷۴/۹۶	۳۷/۹۰	ریسک‌پذیری
۰/۰۰۰	-	۳۲/۱۵۲	۱۴۱/۹۵	۱۰۵/۲۶	۷۲/۰۹	۶۷/۵۲	منزلت اجتماعی
۰/۰۰۰	-	۳۲/۰۸۴	۱۴۰/۷۷	۱۰۲/۷۲	۷۷/۲۰	۵۷/۶۰	عوامل اقتصادی
۰/۰۰۰	-	۴۱/۴۳۵	۱۴۶/۳۲	۱۰۴/۸۲	۷۵/۷۲	۵۴/۱۴	عوامل محیطی
۰/۰۰۰	-	۴۰/۹۹۳	۱۴۱/۰۰	۱۰۹/۲۶	۷۰/۷۵	۶۴/۶۸	عوامل اجتماعی
۰/۰۰۰	-	۷۲/۲۸۷	۱۵۶/۷۳	۱۱۲/۰۸	۷۴/۹۶	۳۷/۹۰	سطح نگرشی
۰/۰۰۰	-	۴۲/۲۹۶	۱۴۱/۰۵	۱۰۱/۴۵	۷۸/۰۵	۵۵/۱۲	سطح دانش
۰/۳۰۰	-	۳/۶۶۸	۶۰/۲۳	۸۸/۱۴	۸۶/۲۶	۸۵/۷۸	وضعیت اشتغال
۰/۱۲۰	۱/۹۷۵	-	۴۳/۹	۴۷/۱۲	۵۱/۹۱	۴۷/۰۸	سن
۰/۰۰۰	۱۴/۸۲۰	-	۶/۰۹	۴/۴۲	۲/۶۸	۲/۶۸	سطح سواد
۰/۰۰۶	۱۴/۴۳۱	-	۶/۰۶	۵/۳۸	۵/۲۵	۳/۷۷	سطح کل اراضی
۰/۰۰۵	۴/۳۶۸	-	۱۰/۵۳	۹/۵۴	۶/۶۱	۵/۵۱	درآمد از شغل اصلی
۰/۰۰۸	۴/۱۳۱	-	۷/۳۶	۴/۲۸	۳/۷۴	۳/۷۲	درآمد از شغل فرعی

* آزمون: کای اسکور

در تابع تشخیصی نشان می‌دهد؛ به این صورت که مقادیر بزرگ‌تر نشان‌دهنده اهمیت بیشتر متغیر موردنظر در تابع تشخیصی هستند. مقادیر استاندارد شده تابع تشخیصی نشان می‌دهند که متغیر ریسک‌پذیری و سطح دانش نسبت به کارآفرینی، بیشترین اهمیت را در تفکیک افراد کارآفرین از سایر افراد دارند:

۴.۴. تابع تشخیصی برای تعیین سطوح کارآفرینی

برای شناسایی مهم‌ترین متغیرهای متمایزکننده سطوح کارآفرینی در این تحقیق از تجزیه و تحلیل تشخیصی مرحله‌ای به شیوۀ لامبدای ویلکز بهره گرفته شد. جدول (۶) مقادیر استاندارد شده و استاندارد نشده معادله متمایزکننده کانون‌ها را

جدول ۶- ضریب استاندارد شده و استاندارد نشده معادله متمایزکننده کانون‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

متغیرها	ضرایب استاندارد شده	متغیرها	ضرایب استاندارد نشده
ریسک‌پذیری	۰/۷۶۹	ریسک‌پذیری (x1)	۱/۲۲۸
درآمد از شغل اصلی	۰/۶۸۴	درآمد از شغل اصلی (x2)	۰/۷۳۸
سطح دانش	۰/۶۹۱	سطح دانش (x3)	۱/۳۴
سطح سواد	۰/۲۶۴	سطح سواد (x4)	۰/۱۲۹
-	-	constant	-۷/۴۱۶

(از نظر سطوح اشتغال‌زایی درزمینه کارآفرینی) دارند و با توجه به مقادیر لامبدای ویلکز متغیرهای ریسک‌پذیری، میزان درآمد از شغل اصلی، سطح دانش و سطح سواد، در مقایسه با دیگر متغیرها قادر به پیش‌بینی سطوح کارآفرینی بوده‌اند.

در جدول (۷) مقدار همبستگی کانونیکال^{۱۰} با ضریب ۰/۸۶۱ نشان می‌دهد که بین متغیر گروه و نمره تشخیصی، همبستگی بسیار بالایی وجود دارد. هرچه میزان این همبستگی بیشتر باشد، نشانه مطلوبیت بیشتر این تابع در پیش‌بینی کشاورزان برحسب تعلق به گروه موردنظر از سطوح کارآفرینی است. معیار دیگر در ارزیابی تابع تشخیصی، Eigenvalue می‌باشد. در این تابع، Eigenvalue برابر با ۰/۷۸۲ است و نشان‌دهنده این است که مدل توانایی نسبتاً قوی‌ای دارد. هرچه مقدار این آماره به عدد ۱ نزدیک باشد، توان تابع بیشتر خواهد بود.

براساس مقادیر استاندارد نشده، معادله تشخیصی متمایزکننده سطح کارآفرینی در افراد مورد مطالعه را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$Y = -7.416 + 1.228(x_1) + 0.738(x_2) + 1.34(x_3) + 0.129(x_4)$$

برای شناسایی مهم‌ترین متغیرهای متمایزکننده سطوح کارآفرینی درزمینه اشتغال، برحسب گروه‌بندی سطوح کارآفرینی (جدول ۷) با متغیرهای مستقل معنی‌دار این مطالعه، از تجزیه و تحلیل تشخیصی مرحله‌ای به شیوه لامبدای ویلکز بهره گرفته شد. با توجه به اینکه در این تحلیل متغیرهایی قابلیت پیش‌بینی بیشتری دارند که دارای لامبدای ویلکز کمتری باشند، در گام نهایی، از میان ۱۱ متغیر مستقل وارد شده در معادله، ۴ متغیر که دارای لامبدای ویلکز و سطح معنی‌داری قابل قبول بودند، استخراج گردیدند. این ۴ متغیر توان ایجاد بیشترین تمایز را بین چهار گروه از کارآفرینان

جدول ۷- نتایج تحلیلی تابع تشخیصی مهم‌ترین متغیرهای متمایزکننده سطوح کارآفرینی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

متغیرهای مستقل	لامبدای ویلکز	F محاسبه شده	sig
ریسک‌پذیری	۰/۴۳۵	۲۶/۴۴۶	۰/۰۰۰
میزان درآمد از شغل اصلی	۰/۳۷	۱۷/۰۳۷	۰/۰۰۰
سطح دانش	۰/۳۶۵	۱۶/۴۱۷	۰/۰۰۰
سطح سواد	۰/۲۵۲	۱۲/۵۶۷	۰/۰۱۵

Canonilal correlation=0.861 Sig=0.000 Eigen value = 0.782

مشخصات هر فرد جامعه و تعیین حداکثر مقدار Y در هر کدام از توابع تشخیصی خطی فیشر می‌توان پیش‌بینی کرد که فرد موردنظر به کدام طبقه از کارآفرینی تعلق دارد.

$$Z = \text{Constant} + W_1X_1 + W_2X_2 + W_3X_3 + \dots + W_nX_n$$

در این معادله، Z میزان تشخیص و یا میزان تفاوت، W وزن تشخیص و X متغیرهای مستقل هستند. در جدول (۸)، نتایج ارزیابی نهایی تابع نشان داده شده است. براساس این جدول، تابع در ۶۸/۸٪ از موارد می‌تواند گروه‌بندی روستاییان مورد مطالعه را به چهار دسته روستاییان سنتی (سطح کارآفرینی پایین)، روستاییان نسبتاً سنتی (سطح کارآفرینی نسبتاً پایین)، تغییرپذیر (سطح کارآفرینی نسبتاً بالا) و صلاحیت‌دار (سطح کارآفرینی بالا) (G_1 , G_2 , G_3 و G_4)، به طور صحیح انجام دهد.

مقدار لامبدای ویلکز، یعنی، ۰/۲۵۲ مبین این است که بین میانگین نمره تشخیصی چهار گروه، اختلاف معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، تابع حاصل از این مدل می‌تواند چهار گروه از کشاورزان مورد مطالعه را به طور معنی‌داری متمایز کند؛ البته، این نتیجه قابل توجه است که این، اولین قدم در ارزیابی مدل است و هرچند معنی‌دار بودن لامبدای ویلکز شرط لازم به حساب می‌آید، اما شرط کافی برای ارزیابی توان تمایز مدل نیست و بنابراین، برای ارزیابی دقیق‌تر باید آماره‌های دیگر مورد توجه قرار گیرند که در زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود. جدول (۷) نتایج مربوط به تحلیل تشخیصی متغیرهای تابع را توضیح می‌دهد. با توجه به اطلاعات موجود در این جدول، بر مبنای مقدار ثابت و ضرایب متغیرهای وارد شده، می‌توان توابع طبقه‌بندی را برای توصیف پیش‌بینی روستاییان، برحسب تعلق به سطح کارآفرینی موردنظر در نظر گرفت؛ بنابراین، با قراردادن

جدول ۸- طبقه‌بندی برای تعیین صحت تفکیک سطح کارآفرینی افراد مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

درصد تصحیح	جمع	G ₄	G ₃	G ₂	G ₁	پیش‌بینی برمبنای سطوح کارآفرینی
		تعداد پاسخ‌گویان				
۶۸	۲۵	۰	۰	۸	۱۷	روستاییان سنتی (G ₁)
۶۵/۹	۸۵	۰	۱۳	۵۶	۱۶	روستاییان نسبتاً سنتی (G ₂)
۷۱/۴	۴۹	۱	۳۵	۱۳	۰	روستاییان تغییر پذیر (G ₃)
۸۱/۸	۱۱	۹	۲	۰	۰	روستاییان صلاحیت‌دار (G ₄)
۶۸/۸		درصد کل				

محیط‌های روستایی می‌تواند با شناسایی فرصت‌های جدید و نوآوری در استفاده از منابع و فرصت‌های موجود، زمینه‌ای را برای رشد و شکوفایی فعالیت‌های متنوع فراهم آورد که این امر مستلزم حمایت از روستاییان کارآفرین در همه ابعاد به‌ویژه در بعد اقتصادی است.

به‌طور کلی، با بررسی ویژگی‌های افراد مورد بررسی و همچنین، مقایسه میانگین افراد مورد مطالعه به‌لحاظ سطوح کارآفرینی مشخص شد که افرادی که جزو گروه اول و دوم (سطح کارآفرینی پایین و نسبتاً پایین) هستند، دارای ویژگی‌های اقتصادی‌ای از جمله درآمد، سطح کل اراضی و... در سطح پایین و ضعیفی هستند و با توجه به اهمیت سطح درآمد در ریسک‌پذیری افراد، این گروه دارای سطح ریسک‌پذیری بسیار پایینی می‌باشند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود برای بالابردن سطح کارآفرینی روستاییان و گرایش به نوآوری، حمایت دولت از روستاییان بیشتر شود. همچنین، با برگزاری کلاس‌های آموزشی و آشنایی روستاییان با نوآوری‌های جدید کشاورزی آنان را ترغیب به استفاده از این نوآوری‌ها نمایند. به‌علاوه، با برگزاری این سبک کلاس‌های آموزشی می‌توان در آینده انتظار داشت که روستاییان خود باعث نوآوری‌های جدید و کارآفرینی شوند.

همچنین، در جدول (۵) مشخص شد که متغیر مشارکت افراد با گروه‌های ثانویه (مانند NGOهای محلی)، در افراد با سطح کارآفرینی بالا بسیار بالاتر از افراد دیگر می‌باشد؛ زیرا، این گروه‌ها معمولاً به‌عنوان نهادهایی هستند که نماینده بهره‌برداران و آحاد مختلف مردم روستایی و کشاورزان می‌باشند؛ می‌توانند در زمینه‌ی (هاشمی، مطیعی‌لنگرودی، قدیری‌معصوم، رضوانی و مقیمی، ۱۳۹۰-الف) رعایت حقوق روستاییان و کشاورزان و پاسخ‌گویی به نیازهای آنان، مطالبات و انتظارات

۵. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

یکی از سیاست‌های اجرایی که می‌تواند در تحقق بخشی به توسعه پایدار روستایی نقش ایفا کند، مسئله تأمین اشتغال و بهبود درآمد روستاییان است. با بررسی‌های انجام‌شده، به‌لحاظ نظری این نتیجه به‌دست می‌آید که باوجود مطالعات و تجربیات جهانی موجود در زمینه کارآفرینی و شیوه‌های مختلف و نیز عوامل مؤثر در توسعه آن، هنوز شاهد تحول چندانی در این زمینه نیستیم؛ زیرا، باوجود مقبول واقع شدن کلیت موضوع، هر یک از مطالعات انجام‌شده تنها عوامل خاصی را در توسعه کارآفرینی مؤثر می‌دانند؛ براین اساس و با در نظر گرفتن رویکرد ترکیبی در این مقاله، برای تعیین سطوح کارآفرینی روستاییان شهرستان مینودشت و عوامل مؤثر بر آن، ۴۵ گویه بررسی شدند.

نتایج مطالعه نشان داد که بیشتر افراد مورد مطالعه، دارای ویژگی‌های کارآفرینی در سطوح پایین و بسیار پایین هستند. همچنین، با توجه به نتایج جدول (۷)، متغیرهایی که توان ایجاد حداکثر تمایز بین چهار گروه از کارآفرینان (از نظر سطوح اشتغال‌زایی در زمینه کارآفرینی) را دارند، عبارت‌اند از: ریسک‌پذیری، میزان درآمد از شغل اصلی، سطح دانش و سطح سواد؛ بنابراین، می‌توان گفت که دلیل پایین بودن سطح کارآفرینی در منطقه مورد مطالعه، ضعیف بودن درآمد افراد است که این، باعث افزایش بیکاری شده است. همچنین، پایین بودن وضعیت کلی اقتصادی باعث شده است تا قدرت ریسک‌پذیری کاهش یابد و افراد مورد مطالعه کمتر به دنبال ایده‌های ریسک‌پذیر روند. افزون‌براین، همانطور که نشان داده شد، سطح نگرش ۷۰٪ از افراد نسبت به نوآوری و خلاقیت، در سطح کم و خیلی کم می‌باشد؛ بنابراین، با توجه به بحث‌های ذکر شده، کارآفرینی در

برآورد نشده آنان مؤثر باشند؛ می‌توانند زمینه شفافیت و ساده‌سازی مقررات، افزایش کارایی و اثربخشی مدیریت دولتی و روستایی را فراهم آورند و با جذب مشارکت‌های مردمی، قدرت ریسک‌پذیری را در افراد مورد نظر بالا ببرند. این اقدام، عملاً به- مفهوم گسترش مردم‌سالاری و واگذاری کار به مردم در میان روستاها خواهد بود که باعث بالا رفتن سطح دانش افراد می-شود؛ بنابراین، با توجه به تأثیر این متغیر بر دو متغیر مهم سطح دانش و سطح ریسک‌پذیری، پیشنهاد می‌شود در بین روستاهای مورد مطالعه، امکان تشکیل گروه‌های غیردولتی به-ویژه گروه‌هایی که در بحث‌های کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک فعال می‌باشند، فراهم گردد. به‌طور کلی، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه داد:

► برای ایجاد روحیه رقابت و آموزش عملی مهارت‌های کارآفرینی، بازدیدهای میدانی از فعالیتهای کارآفرینان موفق برگزار شود؛

یادداشت‌ها

1. Kuratko & Hadgetts
2. Sobel & King
3. Ashomre
4. Hornsby
5. Jancikova
6. Collette et al.
7. Ardagna & Lusardi
8. Chambers & Shaw
9. Dabson
10. Canonical Correlation

کتابنامه

۱. حیدری مکرر، ح. و محبی، ز. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکارهای دانش بنیان (صص. ۱۹-۱)، بابلسر، شرکت پژوهشی طرود شمال، برگرفته از سایت: http://www.civilica.com/Paper-KNOWLEDGEBASE01-KNOWLEDGEBASE01_108.htm
۲. رضوانی، م. ر. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی روستایی در ایران. تهران: نشر قومس.
۳. رضوانی، م. ر. و نجارزاده، م. (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان برآن جنوبی استان اصفهان). مجله توسعه کارآفرینی، ۱(۲)، ۱۸۸-۱۶۱.
۴. رکن‌الدین‌افتخاری، ع. ر.، طاهرخانی، م. و سجاسی‌قیداری، ح. ا. (۱۳۸۸). تحلیل ابعاد و عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی روستاهای شهرستان خداوند. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۲(۳)، صص ۷۲-۴۳.
۵. سجاسی‌قیداری، ح. ا. (۱۳۸۷). مطالعه و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی (منطقه مورد مطالعه: شهرستان خداوند) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۶. فرجی‌سبکبار، ح. بدری، س. ع. سجاسی‌قیداری، ح. ا.، صادقلو، ط. و شهدادی خواجه‌عسگر، ع. (۱۳۹۰). اولویت‌بندی توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک پرومتی (دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خداوند استان زنجان). مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۴۳(۷۵)، ۶۸-۵۳.
۷. گلرد، پ. (۱۳۸۴). عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی. پژوهش زنان، ۳(۱۱)، ۱۲۳-۱۰۱.
۸. هاشمی، س. س. مطیعی‌لنگرودی، س. م.، قدیری‌معصوم، م.، رضوانی، م. ر. و مقیمی، س. م. (۱۳۹۰-الف). تبیین نقش دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی در توسعه کارآفرینی روستایی (مطالعه موردی: بهاباد استان یزد). پژوهش‌های روستایی، ۲(۵)، ۱۱۴-۹۳.
۹. هاشمی، س. س.، مهرابی، ع. ا.، ایمنی، س. و نجاحی، ا. (۱۳۹۰-ب). توسعه روستایی با تأکید بر اشتغال و کارآفرینی (مطالعه موردی: دهستان شباب در استان ایلام). فصلنامه روستا و توسعه، ۱۴(۱)، ۵۸-۳۵.
۱۰. هرنندی‌زاده، ا. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های تولید کشاورزی استان اصفهان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۱۱. هزارجریبی، ج. (۱۳۸۴). کارآفرینی. تهران: انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی.

12. Ardagna, S., & Lusardi, A. (2008). *Explaining international differences in entrepreneurship: The role of individual characteristics and regulatory constraints*. NBER Working Paper No. 14012, National Bureau of Economic Research 1050 Massachusetts Avenue Cambridge, MA 02138, Retrieved May 5, 2008, from <http://www.nber.org/papers/w14012>.
13. Ashomre, C. (2008). *Criteria for youth entrepreneurship education*. Consortium for entrepreneurship education, Retrieved September 26, 2013, from http://www.entre-ed.org/_entre/criteria.html
- Chambers, E. J., & Shaw, S. E. (2004). *A primer on western Canadian entrepreneurship: The Western centre for economic research gratefully acknowledges the support of Western economic diversification Canada*. Number 76, Retrieved April 15, 2004, from <http://business.ualberta.ca/-/media/business/centres/cibs/documents/publications/76.pdf>.
14. Collette, F., Olivier, L., Vander Linden, M., Laureys, S., Delfiore, G., Luxen, A., & Salmon E. (2005) Involvement of both prefrontal and inferior parietal cortex in dual-task performance. *Brain Res Cogn Brain Res* 24:237° 251.
15. Dabson, B. (2002). *Supporting rural entrepreneurship*. Retrieved September 26, 2013 from www.nercrd.psu.edu/entrepreneur_What_Works.../SinghKnights.pdf
16. Jancikova, H. (2004). The entrepreneurial factor in economic growth. *Organization Studies*, 20(6), 1011-1033.
17. Kuratko, D. F., & Hadgetts, R. M. (2004). *Entrepreneurship theory, process and practice*. U.S.A: South-Western.
- Sobel, R. S., & King, K. A. (2008). Does school choice increase the rate of youth entrepreneurship? *Economics of Education Review*, 27(4), 429-438.

Affecting Factors in Rural Entrepreneurship (Case Study: Rural Areas of Minodasht County)

Ramazan Toosi*¹, Alireza Jamshidi², Ahmad Taghdisi³

1- MSc., in Geography and Rural Planning, Isfahan University, Isfahan, Iran.

2- Ph.D Student, in Geography and Rural Planning, Isfahan University, Isfahan, Iran.

3- Assistance prof. Geography and Rural Planning, Isfahan University, Isfahan, Iran.

Received: 26 Apr 2013

Accepted: 10 Apr 2014

Abstract

Purpose: Creativity and innovation are the main foundations of sustainable rural development. Among other contributing factors, rural entrepreneurship particularly in agricultural sector can assist rural economic development by identifying strengths, weaknesses, opportunities and threats of the sector as well as by strategic planning.

Methodology: For reaching this goal, a combination of methods (descriptive - analytical) is used. The statistical population is the villagers living in the Township located in the Golestan province in Minoodasht (10613 = N). Then 170 members of this population were chosen as sample members by random sampling method based on Cochran's sampling formula. A self-administrated questionnaire was used to collect data and its validity was examined and confirmed by faculties and also its reliability was examined and confirmed by Cronbach's Alpha in the pretest phase. Data were analyzed using SPSS Software.

Finding: The results of the study revealed that based on the obtained scores, the villagers can be categorized into four types in terms of rural entrepreneurship: traditional, fairly traditional, flexible, and leading. Discriminant analysis also indicated that, according to Wilkes lambda values, risk factors, income from main employment, entrepreneurship and the level of education compared to other variable can predict the level of rural entrepreneurship in Minoodasht Township better than other factors.

Research limitation: One of the main challenges in this study is to access the information of the status of rural entrepreneurship in the area.

Practical implications: Regarding the findings, strategies such as field visits and activities of successful entrepreneurs, entrepreneurship courses and creativity and so on, have been proposed.

Original/value: The importance of this research is that recognizing the variables such as risk taking status, rural income, knowledge and awareness of entrepreneurs can help to innovate and creates new job opportunities.

Keywords: Rural development, employment, rural entrepreneurship, Minoodasht County.

How to cite this article:

Toosi, R., Jamshidi, A. R. & Taghdisi, A. (2015). Affecting factors in rural entrepreneurship (Case study: rural areas of Minodasht County). *Journal of Research & Rural Planning*, 3(8), 1-11.

URL <http://jrrp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/21100>

ISSN: 2322-2514

eISSN: 2383-2495